

# بهداشت و بهکرد زبان فارسی

نگاهی به مقاله در محاسن و معایب فرهنگ لغات زبان مخفی\*  
«پس بد مطلق نباشد در جهان»

بد به نسبت باشد این را هم بدان»  
راه از بین بردن رخدادی نامطلوب در جامعه این نیست که بر آن سرپوش بنهیم یا آن را نادیده بینگاریم و برای رفع آن صرفاً آرزو کنیم. هیچ مشکلی با این روش حل نخواهد شد. نویسنده محترم مقاله آقای حسین جعفری همچون مؤلف محترم کتاب - آقای دکتر سید مهدی سمائی - «عیب می» را گفته‌اند و «هنرش» را نیز هم. هدف از این نوشته نگاهی دیگر است به موضوع مقاله پیشگفته شده<sup>۱</sup> که به تعبیر من در یک کلام دغدغه حفظ و بهداشت زبان فارسی را دارد.

اگر کنجکاوانه به موضوع بنگریم، پرسشهایی از این دست برای ما ایجاد می‌شود: چرا باید لغاتی مخفی بین عده‌ای از اقشار جامعه مرسوم شود؟ چرا قشر خاصی خودش را به استفاده از آنچنان لغاتی محتاج می‌داند؟ چه باید کرد تا زبان ما به اصطلاحات ناشایست آلوده نشود؟ برای بهداشت و بهکرد زبان فارسی چه کارهایی انجام داده‌ایم و یا باید انجام بدهیم؟ ساخت و سازهایی از این دست چه اثری بر جامعه و زبان ما دارد؟ خوب است یا بد؟ دلیل خوب یا بد بودن آن چیست؟ چه اشکالی دارد که هر گروه شغلی، سنی در گفت‌وگوهای غیررسمی به زبان خودشان صحبت کنند؟ آیا فقط «وضع و استعمال» کلماتی عجیب و غریب آفت زبان فارسی است یا جملات نادرست هم؟ اگر پاسخ پرسش دوم بله است چرا اولی به چشم آمده است و این دیگری ایمن و آسوده از هر گزندی به هستی خود ادامه می‌دهد؟

صرف‌نظر از اینکه چه علت یا عللی باعث شده است که قشری از جامعه برای خودش زبان مخصوصی خلق کند باید به یاد داشت در حال حاضر چنین واژه‌هایی وجود دارند و به کار هم برده می‌شوند. اجازه بدهید از داوری در خوب بودن یا نبودن این واژه‌ها بگذریم چه داوری کردن کار ساده‌ای نیست.

می‌خواهم شما را متوجه چند نکته کنم که با انگشت شمار بودن فرهنگ‌های زبان فارسی و در نظر گرفتن کار فرهنگ نویسی در کشورمان که به نظرم قائم به شخص است و استمراری ندارد و مقطعی

است و به همت شخصی اهل فضل بسته است، نهاد یا مؤسسه‌ای در کار نیست تا پس از مؤلف عهده‌دار تنقیح و تکمیل اثر باشد و کار او را ادامه بدهد. بگذریم که ما ایرانیان به انجام کارها به شکل گروهی چندان خو نگرفته‌ایم<sup>۲</sup> و اصولاً در «نوبت‌های» بعدی چاپ فرهنگ‌ها همان اطلاعاتی که مؤلف گردآورده است باز تکرار می‌شود. چرا اصولاً؟! چون کم کردن آنها به دست مصححان و ویراستاران و ناشران به دلایلی که به نظرشان انجام آن کار را اقتضا می‌کند آسان است و جایز؛ ولی افزودن بر متن اولیه کاری بس سخت است. پس با مراجعه به فرهنگ‌های موجود در بازار - اگر بتوان آنها را در کتابفروشی‌ها یافت<sup>۳</sup> - نمی‌توان معنای آنچنان اصطلاحات را فهمید که عده‌ای به هم می‌گویند و می‌شنوند. چرا که این فرهنگ‌ها به روز نیستند. مرا ببخشید ناچارم نمونه‌ای را نام ببرم. «گاگول» یعنی چه؟! اگر بخواهید از شخص گوینده آنجا که مخاطب او نیستید سؤال کنید معلوم نیست جوابی بشنوید چرا که پاسخ دادن به این سؤال باعث می‌شود که اصطلاح کشف رمز شود و نقض غرض! اگر مخاطب باشید شاید جوابی بگیرید البته ممکن است با چند گوشه و کنایه بیشتر که بعید نیست خودشان حاجت به توضیح دیگری نداشته باشند.

اگر نگاهی به فرهنگها و فرهنگ نویسی در کشورهای دیگر بیندازیم می‌بینیم که فرهنگ‌نویسان خارجی اصطلاحات عوام یا Slang را جداگانه تدوین کرده‌اند. حتی بعضی از اصطلاحات را که بسیار شایع‌اند در فرهنگ‌های عمومی خودشان آورده‌اند و با علامتی نامؤدبانه‌ها را مشخص کرده‌اند تا مراجعه کننده بداند که شخص مؤدب به هنگام صحبت کردن و نوشتن نباید این کلمات را به کار ببرد.

چه اشکالی دارد که هر گروه شغلی، سنی به زبان خودشان صحبت کنند. مگر نه این است که «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»؟ زبان هر گروه می‌تواند یکی از نشانه‌های شناساننده آن شخص و گروه باشد. وظیفه هر شخص تحصیل کرده و فرهیخته این است که دست کم «زبان معیار» را بشناسد و بتواند در نوشتن و گفتن آن را به کار ببرد. ولی لزومی ندارد که تمام اقشار جامعه آن را به کار گیرند چه برسد به دانستن «زبان ادبی». به نظرم اجبار کردن جوانان به صحبت کردن همانند



اول قرار بدهیم . باید به یاد داشته باشیم که این دسته فقط شامل این اصطلاحات عجیب و غریب نمی شود . مثلاً کلمه‌ای فارسی یا انگلیسی را با تنوین عربی به هم آمیختن و «گاہا» و «تلفناً» درست کردن در این دسته قرار می گیرند یا مثلاً «جبران مافات» را «جبران منافات» گفتن ... آفتی که کیان زبان فارسی را تهدید می کند در دسته دوم است . گویندگان دسته اول که از اصطلاحات مخفی استفاده می کنند دست کم به بی اساس و جعلی بودن آن واژه‌ها آگاهند . ولی کسانی که جملات غلط را به کار می برند اکثراً از نادرستی آن بی خبرند .<sup>۶</sup> آنها که در نوشته‌ها و گفته‌هایشان طوطی وار کلمات را پشت سر هم می گذارند بدون هیچ اندیشه‌ای . هنرمند نقاشی را تصور کنید . اگر او برای آفرینش تصویر شخص یا منظره‌ای عجولانه و آشفته قلم مو را بر رنگها بزند و بر پرده نقاشی بگذارد آیا کسی به حاصل کارش اعتنایی می کند؟ شاید بکنند . آیا اگر کردند هدف و مقصود او را درک می کنند؟ من گمان نمی کنم . آیا او می تواند سبیدی مملو از گلابی ترسیم کند در حالی که قصدش سیب بوده باشد . با نشان دادن گلابی در تصویر مخاطب به سیب نخواهد رسید . مگر قراردادی در کار باشد . به کار بردن کلمه‌ها و جمله‌ها در نوشتن و صحبت کردن هم اینچنین است . آیا اگر گوینده یا نویسنده کلمات را پشت سر هم بچیند بدون هیچ اندیشه‌ای بی آنکه کمی به خود زحمت بدهد و به قالب آنچه می نویسد یا می گوید بیندیشد مقصودش حاصل می شود؟ با محتوای نوشته یا گفته کاری نداریم . بعید نیست تا به حال با گوینده یا نویسنده‌ای روبه‌رو شده باشید که نه از غلط بودن جملاتش خبر داشته که در خیال خودش درست‌تر از آنچه گفته یا نوشته نمی توان نوشت!<sup>۷</sup> آیا آن اشخاص بدان طریق راه به جایی خواهند برد؟ آیا می توان آشفته گویی کرد؟ نادرست و غلمبه و سلمبه گفت و نوشت و ناخواسته استنباط و تفسیر را برعهده خواننده گذارد؟ اشکالی ندارد اگر جایی نویسنده یا گوینده عمدی داشته باشد که مخاطب خودش نتیجه گیری کند و او به صراحت اشاره‌ای به مقصودش نکند . اما این وضع استثنای بر اصل است . اصل صریح و صحیح نوشتن و گفتن است . اگر قصد مبهم گفتن و نوشتن هم در کار باشد آنجا هم باید صحیح گفت و نوشت . در آنجا فقط صراحت حذف می شود . امروزه بد نوشتن و بد گفتن آفتی

بزرگتران باعث می شود که ایشان را از همان جوانی بیاموزانیم که همرنگ جماعت شوند . آیا این کار خوبی است؟<sup>۴</sup> من به هیچ وجه منکر ارزش‌ها ، اعتقادات ، آداب ، رسوم و قوانین مردم در جامعه نیستم چرا که دوام و قوام هر جامعه‌ای به اینهاست . آنچه ایرانی را از غیر ایرانی جدا می کند همین خصائص است . والا آدمیزادگان در همه جای کره زمین یکسان‌اند . ضمناً گمان نمی کنم در دیگر نقاط عالم هم انتظار داشته باشند که جوانان ده تا بیست ساله متون ادبی کلاسیک خودشان را بشناسند و در گفت و گوهایشان به کار ببرند . اجازه بدهیم ، هر کس آزاد باشد هر کار مشروع و معقولی خواست بکند ولی تا جایی که عملش به این محدوده‌ها آسیبی نرساند .

دلیلی دیگر بر ضرورت ثبت و ضبط آن اصطلاحات می تواند این باشد که بخشی از جامعه لازم است از آنها آگاه باشد . مثلاً قضات ، وکلای دادگستری ، پلیس ، مشاوران و مددکاران اجتماعی ، روان‌پزشکان ، روان‌شناسان ، پزشکان ، معلمان ، و مربیان ... چرا که آگاهی بر این کلمات نه لزوماً برای ارتباط با گویندگان آنها که سر در آوردن از دنیای ایشان لازم است .

اگر از واضعان آن کلمات عجیب سؤال شود که فلان کلمه یعنی چه؟ برای آن کلمه توضیحی دارد همان طور که مؤلف محترم کتاب فرهنگ لغات ... زحمت کشیده‌اند و با پرسش از گویندگان معنای آنها را مشخص کرده‌اند.<sup>۵</sup>

به نظرم آفتهای زبان فارسی را می توانیم به دو دسته کنیم:

(۱) کلمات غلط یا نامفهوم

(۲) جملات غلط

اصطلاحات مخفی را می توانیم - به فرض بد دانستن - در دسته